

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۰۶ جنوری ۲۰۲۱

جنگ استخباراتی "چین" و "هند" در افغانستان!

۱

سه شنبه - ۱۶ جدی ۱۳۹۹ - کابل: یکی از تأثیرات جانبی و الزامات موجودیت کانون های گرم بحران، در سطح جهان، منطقه و یا یک کشور خاص، شکل گیری و پیدایش شبکه های استخباراتی نیروهای متخاصم، دوستان و متحدان و به همین سان دشمنان و مخالفان هریک از آنها در همان خطه ایست که در آن کانون گرم بحران وجود دارد. این یک قاعده کلی در تمام ادوار تاریخ بوده و تا زمانی که تقسیم منافع بین قدرت های امپریالیستی وجود داشته باشد، این قاعده نیز وجود خواهد داشت. با در نظر داشت همین اصل کلی در یادداشت کنونی مکث کوتاهی داریم به ارتباط دستگیر شدن افراد وابسته به استخبارات چین در کابل و نقش دولت هند در به دام انداختن آنها.

۱- همان طوری که در مقدمه این نگاشته هم تذکار دادم، پیدایش میدان های گرم، خواه ناخواه، به تشدید فعالیت های استخباراتی و "جنگ جواسیس" نیروهای متخاصم با یک دیگر منجر می گردد. چنانچه وقتی سالهای جنگ جهانی دوم را مطالعه می نمائیم می بینیم "بن غازی" در افریقا، "ژنیو" در اروپا دوبرستر و محل بیشترین درگیری ها بین نیروهای استخباراتی رقیب به شمار می روند، به همین سان در تمام دوران به اصطلاح "جنگ سرد"، همه شاهدیم که در کنار کانون های گرم بحران، یعنی فلسطین و ویتنام، کشورهای دیگری چون لبنان و تایلند، از جمله آن نقاطی به شمار می رفتند که نهادهای استخباراتی شرق و غرب، در آن ایجاد و رشد نموده، گاهی در خود محل و زمانی هم خارج از آن، کشتار های بس مهیبی را باعث شده اند.

۲- تا جایی که به کشور ما افغانستان بر می گردد، گذشته از این که حتا در همان زمان ظاهرآ آرامش "ظاهرشاهی"، تقریباً اکثر کشور های دور و نزدیک شاخک ها و شبکه های استخباراتی شان را در افغانستان به وجود آورده، عمدتاً کارهای شان را از طریق افراد و عناصر بومی و وطن فروش و خاین به افغانستان پیش می بردند و حضور جواسیس غیر بومی زیاد محسوس نبود، از زمان تولد اولین جمهوریت مشاهده می گردد که این حضور تنها در سطح عوامل بومی محدود نموده، کشورهای امپریالیستی و علاقه مند مداخله در امور افغانستان، جواسیس متعلق به کشور خودشان را نیز به افغانستان اعزام می داشتند. در تمام بازه زمانی جمهوریت "داوود خان"، تاجائی که از مطالعه برخی اسناد و بررسی عملکرد کلی در زمینه امنیتی بر می آید، دیده می شود که در آن دوران، روسها بیشترین تعداد جاسوس را هم از اعضای "ک. ج. ب." و هم از اعضای "ج. آ. یو." در افغانستان اعزام نموده بودند، در حالی که رقبای روس، از

یک سو به علت ترس از جواسیس روسی و از جانب دیگر، مراعات ملاحظات در قبال عکس العمل افراطی "داوود خان"، تقریباً "دست به عصا" کار می کردند.

۳- فاجعه ننگین و خونبار ۷ ثور ۱۳۵۷، همان طوری که زنده یاد "مجید" در اعلامیه موجودیت "ساما" نگاشته بود، "افغانستان را در گرداب حوادث ملی و بین المللی" فرو برده، نتیجتاً اگر بنویسیم کشور ما را به یک "بن غازی" عصر جنگ دوم جهانی و یک "تایلند" زمان جنگ ویتنام مبدل نمود، مطمئناً در آن مبالغه ننموده ایم. در این زمان تمام جناح های متخاصم بین المللی گذشته از این که به شکلی از اشکال تلاش می نمودند تا حد اقل از تقابل نیروهای بومی موافق و یا مخالف رژیم بهره ببرند، به هزاران کارمند استخباراتی آموزش یافته و مسلکی کشور خودشان را نیز به افغانستان گسیل داشتند.

می شود نوشت در آن مقطع از هزاران خارجی که به مثابه دیپلمات، مشاور، داکتر، استاد، نماینده فرهنگی و این و یا آن کشور در افغانستان وجود داشتند، درصد ناچیزی از آنها بدون تعلق استخباراتی وظایف شان را اجراء می نمودند در حالی که اکثریت قریب به اتفاق آنها، یا خود عضو استخبارات کشور های خودشان و یا هم کشور دوست کشور شان بودند و یا این که در نهایت می بایست چنان روابطی را با استخبارات کشور خودشان عیار می ساختند که در نهایت تمام تخمهای شان را در سبد استخباراتی بگذارند.

۴- تا جایی که مشاهده واقیعت های ملموس آن زمان یعنی تمام دوران حاکمیت نوکران روس بر می آید، شبکه های استخباراتی درکل به دویخش منقسم شده بودند: شبکه وابسته و همکار با روسهای اشغالگر و شبکه مخالف دولت دست نشانده و روسها.

در ترکیب اولی تمام شبکه های استخباراتی پیمان وارسا، همراه با ویتنام، کوبا و هندوستان قرار داشتند که به صورت هماهنگ و نزدیک با یک دیگر کار می نمودند، در حالی که در شبکه دوم هرچند مرکز ثقل تجمع شان در پاکستان بود، با آنها در داخل افغانستان می شود گفت تمام کشور های عضو ناتو، جمهوری اسلامی ایران، کشور های عربی، پاکستان و چین حضور فزینی داشتند. شاید تنها تفاوتی که این طیف با طیف اولی داشت، این بود که نه تنها بین خود زیاد نزدیک نبودند بلکه در صورت امکان، از زدن همدیگر نیز دریغ نمی ورزیدند.

ادامه دارد